

جمع‌پذیری امنیت غذایی و خودکفایی برای ایران ۱۴۰۴؟ ضرورت‌های تجدیدنظر نظام جمهوری اسلامی در پارادیم امنیت غذایی کشور

عبدالمجید مهدوی دامغانی، معاون پژوهشکده علوم محیطی دانشگاه

شپید بهشتی

۱۲ مرداد ۱۳۹۳

شماره: ۵۵۰۰۰۸

مقدمه

دستیابی به امنیت غذایی پایدار مهم‌ترین رسالت بخش کشاورزی است. تأمین امنیت غذایی نیز یک وظیفه حاکمیتی است و بنابراین نظام سیاسی هر کشور مسئول تأمین امنیت غذایی محسوب می‌شود.

در این حوزه و طی سه دهه گذشته سیاستگذاران کشور به دنبال دستیابی به دو هدف بوده‌اند: «دستیابی به امنیت غذایی» و «خودکفایی در امنیت غذایی». پرسش اساسی نوشتار حاضر این است که برای ایران امروز و با چشم‌انداز موقت ایران ۱۴۰۴، آیا این دو هدف جمع‌پذیرند یا مانعه‌الجمع؟ تأکید می‌شود این نوشتار بر اساس وضعیت موجود کشور و با نگاهی به وضعیت آینده آن نوشته شده و مربوط به ایران است.

برای پاسخ به این پرسش باید ابتدا دو مفهوم موردبحث را تعریف کنیم. تعریف پذیرفته‌شده جهانی امنیت غذایی عبارت است از (نشست زمین، ۲۰۰۷): «امنیت غذایی زمانی به دست می‌آید که همه افراد جامعه همواره به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی داشته باشند تا از یک زندگی سالم و پویا برخوردار باشند». بر اساس این تعریف، غذای کافی یعنی به‌طور متوسط هر فرد بالغ به ۲۲۰۰-۲۰۰۰ کیلوکالری انرژی دسترسی داشته باشد. غذای سالم یعنی مواد غذایی عاری از عوامل بیماری‌زا و نهاده‌های شیمیایی (باقی‌مانده کودهای شیمیایی، آفت‌کش‌ها، فلزات سنگین و ...) باشد؛ و غذای مغذی یعنی رژیم غذایی جامع حاوی مقادیر متناسب و کافی از پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، چربی‌ها و قندها (هیدرات‌های کربن) باشد. طبق این تعریف، غیبت هریک از این سه مؤلفه یعنی فقدان امنیت غذایی در جامعه. «خودکفایی» در حوزه

کشاورزی یعنی تأمین تمامی نیازهای غذایی کشور در مرزهای جغرافیایی سرزمینی ایران.

نقبنویسی و نقدی بر سیاست‌های کشور در امنیت غذایی و خودکفایی

همه دولت‌های پس از انقلاب اسلامی دستیابی به خودکفایی را یکی از اهداف اصلی خود برشمرده‌اند. طرفه آن که همه این دولت‌ها فارغ از مشی سیاسی و سیاست‌های کلی کابینه، این دستیابی به خودکفایی را یک هدف برشمرده‌اند. بخشی از این دیدگاه ناشی از جو انقلابی اوایل پیروزی انقلاب و ضرورت کمینه‌سازی و قطع وابستگی به بیگانگان بوده که قابل توجیه است. یادمان نمی‌رود شعاری که در کوی و برزن روستاها نقش بسته بود: «گندم بکاریم، استقلال درو کنیم».

اکنون اما وضعیت امنیت غذایی و خودکفایی در کشور چگونه است؟ بر اساس آخرین آمار منتشرشده (بانک مرکزی، ۱۳۹۲) کشور حدود نیمی از نیاز غذایی خود را با واردات تأمین می‌کند. این آمار در مورد برخی محصولات استراتژیک نظیر دانه‌های روغنی بسیار بالاتر است. کشور نیاز به واردات هفت میلیون تنی گندم (یعنی شصت درصد نیاز کشور) و سیصد هزار تنی گوشت قرمز (یعنی ۲۸٪ نیاز کشور) دارد. بنابراین، وضعیت موجود چنین است: از یک‌سو، تأمین امنیت غذایی کشور با خودکفایی پنجاه‌درصدی صورت می‌گیرد و از سوی دیگر، پیوسته صحبت از ضرورت خودکفایی است و حتی در اسناد و قوانین و برنامه‌های توسعه و چشم‌انداز کشور نیز با صراحت صحبت از خودکفایی، حداقل در محصولات استراتژیک است. پرسش اساسی این نوشتار را بار دیگر تکرار می‌کنم: آیا این دو هدف (دستیابی به امنیت غذایی و خودکفایی) جمع‌پذیرند یا مانعه‌الجمع؟

می‌توان بخشی از ناتوانی نظام را در دستیابی به خودکفایی به سوء مدیریت نسبت داد که قطعاً چنین بوده است، ولی اساساً آیا کشور ظرفیت اکولوژیک، فنی، اقتصادی و سیاسی لازم را برای دستیابی به خودکفایی دارد؟ از آخر شروع می‌کنم: ظرفیت سیاسی در کشور برای دستیابی به خودکفایی غذایی وجود ندارد: یک نگاه تاریخی نادرست در سه دهه اخیر (و شاید در پنج دهه اخیر) بر سیاستمداران، تصمیم‌سازان و مدیریت ارشد کشور حکم‌فرما بوده و آن این که سرمایه‌گذاری در کشاورزی توجیه اقتصادی ندارد و ضریب بازگشت سرمایه

خواهد کرد. ردپایی که اساساً دیگر محیط‌زیست کشور تاب‌آوری پذیرش آن را ندارد. همین امر در مورد منابع خاک، منابع تنوع زیستی و سایر منابع پایه کشور صادق است. بدون شک، تشدید فشار بر منابع موجود حتی با اصلاح روش‌های تولید، نتایج هشداردهنده‌ای به دنبال خواهد داشت. تصور کنیم سامانه‌های آبیاری کشور را اصلاح کرده و کارایی آبیاری کشور را از حدود چهل درصد به مثلاً پنجاه درصد رسانده شده است. (امری که دست‌کم بودجه‌ای سه میلیارد دلاری و زمانی ده‌ساله و همتی سترگ می‌طلبد) این توفیق موجب می‌شود برای دستیابی به خودکفایی و تشدید استحصال آب و بهره‌کشی از خاک کشور، به تخلیه زودرس منابع کشور دامن بزنیم و چند دریاچه ارومیه خشک دیگر به وجود آوریم! چراکه ظرفیت اکولوژیک کشور توان تحمل فشاری بیش از آنچه در حال حاضر بر منابع و محیط می‌آید، ندارد.

جمع‌بندی

حاکمیت باید تمام تلاش خود را معطوف به تأمین امنیت غذایی پایدار نماید. در این راه با توجه به وضع موجود و چشم‌انداز آینده، تحقق خودکفایی هم از منظر سیاسی، فنی و اقتصادی ناممکن و بعید به نظر می‌رسد و هم با توجه به ظرفیت اکولوژیک کشور به‌عنوان یک اکوسیستم یکپارچه مجاز نیست.

قطعاً باید همه تلاش‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در راستای بیشینه‌سازی خودکفایی و کمینه‌سازی وابستگی‌ها باشد و اساساً رسالت تولیدکنندگان، پژوهشگران و سیاستگذاران و تصمیم‌سازان نیز چیزی جز این نیست، اما حاکمیت باید یک تجدیدنظر اساسی در نسبت امنیت غذایی و خودکفایی داشته باشد. با توجه به آنچه در این نوشتار به آن پرداخته شد، هیچ ضرورتی ندارد دستیابی امنیت غذایی کشور را منوط و هم‌پیوند به خودکفایی بدانیم. سیاست رسمی جمهوری اسلامی باید به سمت این شعار تحقق پیدا کند و اصلاح شود:

«تأمین امنیت غذایی با استفاده از همه ظرفیت‌های داخلی و فرا سرزمینی»

در صنعت چهار برابر کشاورزی است و اساساً کشاورزی که مترادف است با بیل‌زدن و چشم‌انتظار باران بودن، به سرمایه‌گذاری نیازی ندارد. شاهد این ادعای گزاف و تلخ نگارنده در کژتابی و کژفهمی موضوع نزد سیاستگذاران کشور، حجم سرمایه‌گذاری و توجه جدی به کشاورزی در همین سه دهه بوده است. دوم، ظرفیت اقتصادی دستیابی به خودکفایی در کشور وجود ندارد: برای توسعه پایدار و تولیدمحور کشاورزی ایران باید ظرفیت اقتصادی برای توسعه زیرساخت‌ها وجود داشته باشد؛ چنین ظرفیتی موجود نیست. تنگناهای اقتصادی کشور در سال‌هایی که گذشت، یعنی دوره دفاع مقدس و پس از آن سازندگی و پس از آن دوره نفت ده‌دلاری و پس از آن بازندگی ۹۲-۸۴ و تحریم‌ها، همیشه موجب شد توسعه کشاورزی در اولویت نباشد و این بخش همیشه کمترین توجهات و عنایات را به خود دیده است. حتماً اگر آنقدر که نظام برای برخی صنایع سبک و سنگین هزینه کرد، برای کشاورزی هم سرمایه‌گذاری می‌کرد، ضریب خودکفایی کشور امروزه به‌رغم همه ناملایمات سیاسی و اقلیمی و مدیریتی، بهتر بود. در مورد ظرفیت فنی نیز پاسخ منفی است: ظرفیت فنی برای خودکفایی با توجه به داشته‌های امروز کشور وجود ندارد: چه، در زمینه دانش فنی نزد تولیدکنندگان، چه، علم نافع نزد حوزه دانش و پژوهش کشاورزی و چه، دانش فنی در حوزه مدیریت ارشد کشاورزی کشور. اما فرض شود اساساً در کشور ظرفیت سیاسی، اقتصادی و فنی هم برای خودکفایی غذایی وجود می‌داشت؛ می‌رسیم به ظرفیت اکولوژیک و محیط‌زیستی کشور.

به تعبیر رئیس‌جمهور محترم: «والله، بالله، تالله کشور ظرفیت اکولوژیک برای خودکفایی غذایی ۷۸ میلیون ایرانی عزیزی که سبک غذایی نادرستی هم دارد، ندارد. برای تأمین نیازهای غذایی کشور اساساً این حجم آب وجود ندارد.» تصور کنید اگر قرار باشد بخواهیم در وضعیت موجود برای علوفه، هیدرات کربن، دانه‌های روغنی و قند خودکفا شویم، صرف‌نظر از سطح زیرکشت موردنیاز، به چه حجم آبی نیاز داریم؛ آن هم در شرایطی که کشور رو به یک دوره سی ساله خشک‌تر دارد و منابع آب ما محدود و محدودتر می‌شود و اگر قرار باشد به این سطح زیرکشت فشار مضاعف وارد کنیم تا خودکفایی حاصل شود، این فشار چقدر بر ردپای اکولوژیک ما اضافه

موضوع، تحقق آن را برای تأمین بخشی از امنیت غذایی کشور ممکن می‌سازد.

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.
متون سیاستی منتشرشده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.

تأکید بیش‌ازحد بر مقوله خودکفایی نتیجه‌ای جز گمراهی و سردرگمی تولیدکننده و بدنه کارشناسی این حوزه در دولت، اتلاف بودجه‌ها، از دست دادن زمان و زمین و منابع پایه کشور حاصل دیگری نخواهد داشت. باید هدف اصلی سیاست‌گذاران بخش کشاورزی کشور دستیابی به امنیت غذایی پایدار باشد؛ امنیتی که همه ایرانیان همواره از غذای کافی، سالم و مغذی برخوردار باشند. ذکر یک نکته اینجا ضروری است: ذیل تعریف امنیت غذایی در متون رسمی قید می‌شود که مراد از «دسترسی به غذای کافی» آن است که این دسترسی همراه با حفظ کرامت انسانی افراد جامعه باشد؛ اگر شأن و حرمت انسان‌ها در تأمین غذا رعایت نشود، امنیت غذایی‌ای هم وجود ندارد، حتی اگر فرد به غذایی با مؤلفه‌های پیش‌گفته دسترسی داشته باشد.

در سیاست جدیدی که کشور در پیش می‌گیرد، امنیت غذایی با توجه به توسعه کشاورزی کشور و بنابراین ارتقای تولید و بهره‌وری داخلی همراه با مراجعه به بازارهای بین‌المللی و درنهایت کشت فرامرزی (فرا سرزمینی) محقق خواهد شد. در همین سیاست جدید نیز باید به یک نکته کلیدی توجه داشت. بازارهای بین‌المللی ظرفیت محدودی برای عرضه مواد غذایی دارند و این محدودیت با توجه به روندهای فعلی و افزایش رشد اقتصادی کشورهایی همچون چین و هند و تغییر رژیم غذایی آن‌ها و نیاز بیشتر آن‌ها به واردات تشدید خواهد شد. بنابراین باید در نظر داشت که نمی‌توان تا همیشه به چنین بازاری وابسته و پایند بود. کشت فرا سرزمینی که عبارت است از تولید محصولات کشاورزی در خارج از مرزهای جغرافیایی کشور، فرصت ارزشمند دیگری است که ما را از بازاندیشیدن به خودکفایی بازمی‌دارد. کشت فرا سرزمینی بویژه با توجه به کشورهای دوست و همچنین ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی نظام، می‌تواند بخشی از امنیت غذایی کشور را، بویژه در مورد محصولاتی که نیاز آبی بالا و ردپای اکولوژیک بزرگی دارند، تأمین کند. البته اتکا به کشت فرا سرزمینی ملاحظات امنیتی، ژئوپلتیک و اقتصادی خاصی را می‌طلبد که توجه دقیق به آن‌ها و بررسی ابعاد مختلف

۱ مثال بارز آن، سبب امنیت غذایی در بهمن‌ماه گذشته بود! بدسلیقی از این بزرگتر و گل‌درشت‌تر سراغ ندارم: حرکتی که حُسن فاعلی داشت، ولی عاری از حُسن فعلی بود.